

Introducing a Culture of Civility in First-Year College Classes

penn state university press

Introducing a Culture of Civility in First-Year College Classes

Author(s): Robert J. Connelly

Source: *The Journal of General Education*, Vol. 58, No. 1 (2009), pp. 47-64

Published by: Penn State University Press

Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/27798121>

Accessed: 07-04-2016 15:59 UTC

معرفی فرهنگ مدنیت در کلاس های سال اول دانشگاه

به نظر می رسد آموزش عالی و همچنین جوامع بزرگتر در حال تجربه زوال جدی مدنیت هستند. این مقاله مطالبی را برای معرفی آموزش مدنی در دوره های آموزش عمومی سال اول ارائه می کند. پس از استناد به برخی از تحقیقاتی که هم درک اساتید و دانشجویان از نامدنییت را در دانشگاه بصورت مستند نشان داده و همچنین مروری بر انبوه توصیفات در مورد معنای مدنیت است، تعریفی کلی از مدنیت به عنوان یک فضیلت ارائه خواهد شد که پایه و اساسی را جهت تدوین کد مدنیت آکادمیک ایجاد می کند و می تواند کیفیتی را برای معرفی دانشجویان جدید با فرهنگ جامعه ای که وارد آن می شوند تنظیم کرده و آنها را نسبت به انتظارات اساسی این جامعه دانشگاهی آگاه کند. بخش آخر، نقش آموزش عمومی را در به عهده گرفتن رهبری برای معرفی صریح مدنیت علمی در کلاس درس سال اول روشن می کند.

مدنییت و جامعه

صحبت از مدنیت در پانزده سال اخیر در ایالات متحده متداولتر شده است. شاید این تفکر را داشته باشیم که اوضاع نسبت به «روزهای قدیم» بهتر شده باشد، برای مثال، نسبت به زمانی که جورج واشنگتن در شانزده سالگی «قوانین مدنیت و رفتار شایسته در شرکت و محاورات» را نوشت. اولین قانون او (و البته قانون بسیاری دیگر) هنوز هم کارکرد خود را دارد: "هر اقدامی که در شرکت انجام می شود، باید با نشانه ای از احترام به کسانی باشد که در آنجا حضور دارند." اما شرایط ما تا حدودی حداقل در آمریکای طبقه متوسط بهبود یافته است، به طوری که ما در مورد مسائل تحت پوشش قانون شماره ۱۳ ژرژ دیگر نگران نیستیم: قوانینی از قبیل اینکه "هیچ گونه حشره موزی مانند کک، شپش، کنه و غیره را در مقابل دیدگان دیگران نکشید. اگر کثیفی یا آب دهان غلیظی دیدید پای خود را به طرز ماهرانه ای روی آن بگذارید 😊😊".

امروزه کتاب های متعددی با قوانین و پیشنهادهای موجود است که سعی در «بازیابی»، «کشف مجدد» یا «احیای» مدنیت در عصری دارد که در آن معیارهای روابط اجتماعی و مبادله به نظر در معرض تهدید است. کتاب های از قبیل : *Miss Manners: A Citizens Guide to Civility* (Martin, 1999) و *he How Rude!* (Packer, 2004) *Handbook of School Manners for Teens: Civility in the Hallowed Halls*. برنامه های مدنی در مدارس ابتدایی و متوسطه و آموزش عالی نیز وجود دارد. همچنین علاوه بر ایجاد کمیته های مدنی متعدد، دوره ها، نظرسنجی ها، کارگاه ها و وبسایت ها، ابتکارات مهمی از جمله کمیسیون ملی پن در جامعه، فرهنگ و اجتماع^۱، و پروژه مدنی جانز هاپکینز^۲ (Rookstool, 2007) نیز وجود داشته است.

مدنیت در آموزش عالی

آموزش عالی، دنیای کوچکی از جامعه بزرگتر است. اعضای هیئت علمی از رفتارهای دانشجویی که در یادگیری مزاحمت ایجاد می کنند شکایت دارند (Boice, 1996; Burroughs, Kearney, & Plax, 1989; Rookstool, 2007; Schneider, 1998). برای درک اعضای هیئت علمی از نامدنیت دانشجویی، در اینجا تصویری از طیف رفتارهای مربوط به اساتید بر اساس مطالعه انجام شده در دانشگاه ایندیانا (مرکز تحقیقات نظرسنجی، ۲۰۰۰) آورده شده است. بخشی از این نظرسنجی از اساتید خواسته تا در پاسخ به بیست و نه رفتار احتمالی که نشان دهنده نامدنیت بودند، یکی از گزینه های «همیشه»، «تحت برخی شرایط» یا «هرگز» را انتخاب کنند. برای اهداف این مقاله، داده های زیر با توجه به درصد پاسخ های «همیشه» سازماندهی شده است، به گونه ای که آیتم هایی که فراوانی پاسخ ۵۰ درصد یا بیشتر دارند، اقدامات جدی تر غیرمدنی و آیتم هایی که فراوانی پاسخ کمتر از ۵۰ درصد برای گزینه «همیشه» را دارند، بعنوان اقدامات غیرمدنی که کمتر جدی هستند، تلقی می شوند:

¹ Penn National Commission on Society

² Johns Hopkins Civility Project

اقدامات غیر مدنی جدی

- تهدید به آسیب فیزیکی علیه شما
- نظرات آزاردهنده (نژادی، قومی، جنسیتی) که در کلاس در مورد شما داده می شود
- نظرات یا رفتار آزاردهنده ای که خارج از کلاس متوجه شما می شود
- حملات کلامی خصمانه یا چالش هایی که در کلاس متوجه شما می شود
- تقلب در امتحانات یا آزمون ها
- نظرات آزاردهنده دیگری که در کلاس متوجه شما می شود
- طعنه زدن یا تحقیر دانشجویان دیگر
- بی نزاکتی (رفتار عوامانه) نسبت به شما در کلاس
- ایمیل های نامناسب
- عدم توجه در کلاس
- صحبت های دانشجویان در کلاس که حواس سایر دانشجویان را پرت می کند
- صحبت های دانشجویان که حواس شما را پرت می کند
- استفاده از تلفن همراه یا پیجر در طول کلاس و ایجاد مزاحمت
- سخنان یا حرکات کنایه آمیز، مانند خمیازه یا چشم غره
- استفاده از کامپیوتر در طول کلاس برای اهداف غیر مرتبط با کلاس

اقدامات غیرمدنی که کمتر جدی هستند

- خوابیدن سر کلاس
- ناله های ناشی از عدم رضایت در کلاس (مثل گفتن اه...)
- دانشجویانی که خواستار امتحانات جبرانی، تمدید امتحانات، تغییر نمره، یا لطف های ویژه هستند
- بی حوصله یا بی تفاوت عمل کردن در کلاس
- دانشجویانی که با تسلط بر بحث، در کلاس ایجاد تنش می کنند
- دانشجویانی که دیر به کلاس می رسند
- عدم آمادگی دانشجویان برای کلاس

- قطع کلاس توسط دانشجویان
- دانشجویانی که زودتر کلاس را ترک می کنند
- دانشجویانی که دانش یا اعتبار شما را در کلاس به چالش می کشند
- غذا خوردن در کلاس
- جویدن آدامس در کلاس
- عدم تمایل به پاسخگویی به سوالات مستقیم
- عدم یادداشت برداری در کلاس

نویسندگان مختلف، مسئولیت توسعه راهبردهایی را برای حل این مشکل در آموزش عالی بر عهده گرفته اند (Baldwin, 2007; Braxton & Bayer, 2004; Gonzalez & Lopez, 2001; Rookstool, 2007). از طرف دیگر، تلقی دانشجویان از نامدنیّت اساتید نیز مستند شده است. به عنوان مثال، مقاله اخیر با استناد به مطالعه ای در زمینه آموزش پرستاری (Clark & Springer, ۲۰۰۷) شش موضوعی را که به ترتیب فراوانی پاسخ های دانشجویان در یک نظرسنجی است، را بصورت خلاصه بیان می کند: اظهارات تحقیر آمیز اساتید، استفاده از سبک یا روش آموزشی ضعیف، استفاده از مهارت های ارتباطی ضعیف، رفتار خود برتربینی و متکبرانانه، انتقاد از دانشجویان در حضور هم‌تایان و تهدید به مردودی دانشجویان.

مطالعات دیگر به برداشت هایی در مورد تغییر برنامه درسی توسط اساتید اشاره دارد. ارائه سخنرانی های بسیار سریع و بدون تعامل کافی با دانشجویان؛ وضع قوانین در حین پیشبرد کلاس و بدون برنامه قبلی، آیتم های امتحانی و نمرات درسی غیرمنتظره؛ بی انصافی و غیرمنعطف بودن؛ اصرار بر تطابق و پیروی؛ و تبعیض بر اساس جنسیت، نژاد و قومیت (Boice, ۱۹۹۶؛ Thomas, ۲۰۰۳).

سوگیری سیاسی اساتید در کلاس درس نیز توسط دانشجویان به عنوان یک مشکل ذکر شده است. در یک مطالعه در مورد درک دانشجویان از تجربیات تحصیلی خود، ۴۹ درصد از دانشجویان عنوان کردند که "اساتید آنها

اغلب نظرات سیاسی را به دروس خود تزریق می کنند، حتی اگر ارتباطی به موضوع نداشته باشد و ۲۹٪ احساس می کنند که برای کسب نمره خوب، باید با دیدگاه های سیاسی اساتید موافق باشند.» (Neal, ۲۰۰۶، ص ۹).

حمایت از این برداشت که سوگیری در آموزش عالی وجود دارد نیز در عموم مردم یافت می شود. یک نظرسنجی از جولای ۲۰۰۷ گزارش می دهد که بیش از ۵۸ درصد پاسخ دهندگان معتقدند که سوگیری سیاسی یک مشکل جدی یا بسیار جدی در آموزش عالی است. این امر، اطلاعات انجمن آمریکایی اساتید دانشگاه را در مورد نظرسنجی انجام شده در سال ۲۰۰۶ تأیید می کند (Gross و Simmons، ۲۰۰۶). در داده های سال ۲۰۰۷، تقسیم بندی های واضحی وجود دارد. برای مثال، به احتمال بیشتری، افراد سفیدپوست و افراد مسن تر باور دارند که تعصب یک مشکل جدی است (Jaschik، ۲۰۰۷). تقسیمات دیگری بر اساس خطوط حزبی، جنسیت، مذهب و خرید در وال مارت وجود داشت.

دیوید هوروویتز^۱، رئیس مرکز مطالعات فرهنگ عامه در کالیفرنیا، در پاسخ به چنین شکایاتی که عمدتاً از سوی دانشجویان محافظه کار و عموم مردم انجام می شود، یک کمپین ملی را رهبری کرده است تا از قانونگذاران ایالتی و اعضای کنگره بخواهد یک منشور حقوق دانشگاهی را تصویب کنند. در سال ۲۰۰۵، حدود ۱۵ قانونگذار، چنین لوایحی را ارائه کردند، اما تصویب نشد. تا حدی در پاسخ به ابتکار هوروویتز، در ژوئن ۲۰۰۵، شورای آموزش آمریکا (ACE) و ۲۹ سازمان آموزش عالی دیگر، بیانیه ای را در مورد تنوع فکری در پردیس های دانشگاهی و کالج ها به نام "حقوق و مسئولیت های آکادمیک"^۲ تأیید کردند. این بیانیه، شامل پنج اصل کلی است که بر تنوع استانداردهای حرفه ای و نهادی تعیین شده توسط انجمن های مختلف پژوهشی تأکید می کند که عبارتند از ارزش های کثرت گرایی فکری؛ مبادله آزاد افکار و آزادی آکادمیک؛ و اهمیت فرآیندهای شفاف شکایت برای برخورد با رفتار ناعادلانه (ace، ۲۰۰۷).

¹ David Horowitz

² American Council on Education

³ Academic Rights and Responsibilities

⁴ intellectual pluralism

بیانیه ACE یک گام مثبت است، اگرچه بصورت کامل مورد رضایت هوروویتز و دیگران نبود و به تمام اجزای اصلی آنچه که من مدنیت آکادمیک می‌نامم، نمی‌پردازد. قبل از تشریح مجموعه‌ای از ارزش‌ها که به اعتقاد من دیدگاه بزرگ‌تری از مدنیت آکادمیک را تشکیل می‌دهند، تعریفی کلی از مدنیت ارائه می‌کنم که می‌تواند در دنیای دانشگاهی و به‌ویژه کلاس درس سال اول مورد توجه قرار گیرد.

تعاریف عمومی/توصیف مدنیت

از مثال‌های جورج واشنگتن تا به امروز، بحث‌های مختلف در مورد مدنیت گرایش به تعریف آن با ترکیب اصول اخلاقی با دستورات اخلاقی، مانند احترام به دیگران، و آداب (شیوه‌ها) دارد، مانند این تعریف جورج که می‌گوید شپش‌های سر خود را در ملاء عام نچینید. تعاریف و توصیفات زیر تا حدودی طیف وسیع معنایی مدنیت را بیان می‌کند. مدنیت عبارت است از:

❖ رفتاری در جمع که نشان‌دهنده احترام به دیگران بوده و در صورت لزوم مستلزم محدود کردن منافع شخصی خود است (Billante و Saunders ، ۲۰۰۲، ص ۳۳).

❖ "آنچه برای زندگی در جامعه کثرت‌گرا مناسب است" (Calhoun ، ۲۰۰۰، ص ۲۶۹)

❖ نه یک ویژگی شخصی منفرد مانند ادب، بلکه بیشتر "تلفیقی از چندین ویژگی از این قبیل است... کمتر یک آئین نامه رفتاری است تا یک روح حاکم... که شامل ملاحظه، درایت، شوخ طبعی و احترام به عواطف و حقوق دیگران است." (RBC Letter، ۱۹۹۵)

❖ وظیفه‌ای «که پذیرش مقتضی نقص‌های نهادها و محدودیت خاص در استفاده از مزایای آنها را ملزم می‌کند. بدون شناخت این وظیفه، اعتماد و اطمینان متقابل در معرض از بین رفتن قرار دارد» (Rawls ، ۱۹۹۹، ص ۳۱۲).

❖ "مشارکت در خودآگاهی جمعی که از خودآگاهی های جمعی متعدد، جزئی تر و محدودتر که می تواند با آن همزیستی داشته باشد فراتر می رود یا بر آن غالب می شود" (Shils, ۱۹۹۷، ص ۷۴).

❖ "آگاهی مداوم از دیگران و تلفیق محدودیت، احترام و توجه در تار و پود این آگاهی... و حتی نگرانی برای سلامت سیاره ای که در آن زندگی می کنیم" (Forni, ۲۰۰۲، ص ۹).

❖ "مجموع فداکاری های فراوانی که به خاطر زندگی مشترک باید انجام دهیم"؛ «اخلاقمند بودن برای ارتباط با غریبه ها» (Carter, ۱۹۹۸، ص ۱۱، ۵۷)

فورنی (۲۰۰۲، ص ۸)، همچنین چهل و دو اصطلاح (یا عبارت) را که با مدنیت مرتبط هستند، فهرست می کند: احترام به دیگران، مراقبت، توجه، ادب، قانون طلایی^۱، احترام به احساسات دیگران، نیکی، ادب، احترام به عقیده دیگران، کمال، مهربانی، شیوه رفتار، سازگاری، انصاف، نجابت، خویشتن داری، نگرانی، عدالت، بردباری، ایثار، آداب معاشرت، خدمات اجتماعی، نزاکت، برابری، اخلاص، اخلاق، صداقت، آگاهی، امانتداری، دوستی، آداب سر میز (یا در ایران: آداب سر سفره)، اعتدال، گوش دادن، شفقت، موافق بودن، از سر راه دیگران کنار رفتن، دوستانه بودن، پیش دستی در دست دادن، شایستگی و برآزندگی، رعایت قوانین، صلح و شهروند خوب بودن.

فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد طیف گسترده ای از معانی را برای مدنیت خلاصه می کند و همچنین ریشه های تاریخی آن را ردیابی می کند. در این زمینه، رفتار خوب با معانی متضمن ادب (در مقابل بی ادبی)، نجابت، شایستگی و توجه به دیگران پیشنهاد شده است. اساس اخلاقی این اصطلاح از نظر معنی منسوخ شده است که به ارتباط شهروندی، اجتماع شهروندان به طور جمعی، و رفتار مناسب معاشرت در افراد متمدن اشاره می کند. کارتر (۱۹۹۸) دانشمند هلندی، آراسموس، را که در سال ۱۵۳۰ کتابی در مورد مدنیت در کودکان نوشت و مفهوم مدنیت را که ریشه اصلی کلمه مدنیت است، رواج داد، تصدیق می کند.

^۱ مترجم: قاعده طلایی یا قاعده زرین (Golden Rule) یک اصل اخلاقی است که دو مطلب را بیان می کند:

(۱) شخص باید به گونه ای با دیگران رفتار کند که دوست دارد دیگران در شرایط مشابه با او آن گونه رفتار کنند

(۲) شخص نباید به گونه ای با دیگران رفتار کند که دوست ندارد آن گونه با او رفتار شود

کلمه مدنیت با کلمات متمدن و تمدن (و کلمه شهر) ریشه شناسی مشترکی دارد که ریشه ای هندواروپایی به معنای «عضو خانواده» است. البته همانطور که اراسموس عنوان می کند، مدنیت چیزی است که ما را قادر می سازد با هم زندگی کنیم. متمدن بودن به معنای درک این است که ما در جامعه به عنوان یک خانواده زندگی می کنیم، و اینکه در داخل آن خانواده، اگر قرار است انسان های اخلاق مدارى باشیم، روابط ما با افراد دیگر (همشهريانمان، اعضای خانواده مدنی ما) بر اساس معیارهایی تنظیم می شود که آزادی ما را محدود می کند. وظیفه ما برای پیروی از آن استانداردها به این بستگی ندارد که آیا با یکدیگر موافق هستیم یا حتی آیا همدیگر را دوست داریم، (ص ۱۵).

معنای پیشین مدنیت مبتنی بر اخلاق، که بازنگری شده و حتی معنای آن بیشتر گسترش یافته است، ممکن است پایه ای را برای تفکر در مورد شکل دهی فرهنگ کلاس درسی فراهم کند. اول، من پیشنهاد می کنم که مدنیت را به طور کلی به عنوان یک فضیلت تسهیل کننده در نظر بگیریم که فرد را قادر می سازد تا هماهنگ با دیگران در جوامع مختلف زندگی کند. مدنیت، تسهیل کننده است به معنای توانایی ادغام و سازماندهی سایر فضایل که برای کنار آمدن در هر جامعه ای مناسب است. من عمداً معنی «فضیلت» را مبهم می گذارم و سعی نمی کنم با ارجاع به ادبیات گسترده فضیلت، تحلیلی فلسفی انجام دهم یا استدلال کنم که این یک فضیلت اخلاقی است، اگرچه در این زمینه با کالهن^۱ موافق هستم: «مدنیت مستلزم اطاعت از هنجارهای اجتماعی است نه به خاطر این هنجارها، بلکه بخاطر یک هدف اخلاقی مهم: انتقال نگرش های اخلاقی به هم ساکنان دنیای اخلاقی مان. این است که مدنیت را به یک فضیلت اخلاقی تبدیل می کند».

در اینجا، من به سادگی ادعا می کنم که مدنیت یک فضیلت است به معنای توانایی آموخته شده، عادت، منش یا ویژگی شخصیتی مبتنی بر اعتقاد صادقانه به ازای زندگی به عنوان بخشی از جوامع مختلف و این اعتقاد

¹ Calhoun

که هدف از زندگی موفق در هر جامعه ای ما را به خدمت در زمینه مصلحت عمومی، نه صرفاً منافع شخصی فرا می خواند. فضیلت مدنیت، آن گونه که من تصور می کنم، فرد را قادر می سازد تا:

۱. تفاوت‌ها را در جوامع مختلف تشخیص دهد (پیوستگی از جامعه خانگی به جامعه جهانی و همه آنچه که در حد فاصل این دو قرار دارد)

۲. هنجارها و ارزش های اجتماعی پذیرفته شده را که عموماً بر روابط مطلوب جامعه حاکم است، شناسایی کند.

۳. به اندازه کافی منعطف و سازگار باشد تا با هنجارهای یک جامعه زندگی کرده و روحیه آن را داشته باشد که با سایر اعضای آن جامعه کنار بیاید.

۴. بداند که چه زمانی باید رفتار خود را تغییر دهد و در صورت لزوم هنجارهای دیگری را انتخاب کند که شرط لازم برای سازگاری با جامعه دیگر است.

۵. برای حفظ اعتماد متقابل در یک جامعه، نسبت به نقایص یا نقص در هنجارها مدارا کند (به جای اینکه با رعایت نکردن هنجارها به این سوء ظن کمک کند که چه کسی سعی در فرار از هنجارها دارد)

آنچه می تواند مسائل را پیچیده کند این است که هر شرایطی می تواند شناخت هنجارهای یک جامعه خاص را دشوار کند. نهادهایی مانند خانواده و کلیسا دستخوش تغییرات سریعی هستند. موقعیت‌های سیاسی، کسب و کارها، رسانه‌ها و سرگرمی‌ها می‌توانند به این احساس کمک کنند که هنجارهای جامعه در حال فروپاشی هستند و امروزه نسبت به گذشته کمتر قطعی هستند. برخی افراد دیگر ممکن است نشانه‌های احتمالی دیگری از فروپاشی جوامع را ذکر کنند: افزایش روزافزون فریب، استانداردهای دوگانه، ریاکاری، و خم شدن قوانین (دست کم گرفتن قانون). قابل درک است که افراد و گروه‌ها در همه عرصه‌های جامعه خواستار بازگشت به چیزی پایدارتر و قابل اعتمادتر

^۱ زیر پا گذاشتن قوانین طوریکه که از نظر شما مهم یا مضر نیست:

از نظر هنجارهای جامعه هستند. فرض بر این است که بقای هر جامعه ای مستلزم تایید مجدد، بیان مجدد یا بازتعریف هنجارهای اساسی جامعه است.

عامل دیگری که توسعه فضیلت مدنیت را دشوار می کند، درک این نکته است که مدنیت مستلزم محدودیت آزادی افراد یا بخشی از آزادی آنهاست تا منافع عمومی یک جامعه به نحو مؤثرتری به دست آید. همانطور که کارتر توصیف می کند، مدنیت «مجموع فداکاری های زیادی است که ما به خاطر زندگی مشترک باید انجام دهیم» (۱۹۹۸، ص ۱۱). قوانین، نمونه های بزرگی از هنجارهای اجتماعی هستند، به عنوان مثال، محدودیت سرعت بزرگراه ها، که محدودیت هایی را برای آزادی فردی تعیین می کنند. بالا بردن دست قبل از صحبت در کلاس نمونه کوچکی است که آزادی فردی را نیز محدود می کند. برخی از افرادی که دارای انگیزه منفعت شخصی هستند، می توانند چنین محدودیت هایی را سخت یا بد قلمداد کنند، و این باعث می شود که خود را از پیروی از هنجارها معاف کنند یا به دنبال خلاءها باشند. فضیلت مدنیت مستلزم یک ذهنیت توسعه یافته است که می تواند محدودیت های هنجارهای فعلی را تشخیص دهد و در عین حال همچنان متعهد به رعایت آن هنجارها به خاطر منافع عمومی باشد. این طرز فکر همچنین تشخیص می دهد که جوامع معمولاً هنجارهای دیگری دارند که نحوه تغییر هنجارها و اقدامات لازم برای ایجاد چنین تغییراتی را تنظیم می کنند.

اگر هنجارهای ایجاد شده از نظر شخصی نه تنها ناخوشایند باشند، بلکه از نظر اخلاقی نیز مشکوک باشند، درک چگونگی تاثیر مدنیت در موقعیت های زندگی واقعی می تواند پیچیده باشد. فضیلت مدنیت را با صداقت مقایسه کنید (Calhoun، ۱۹۹۵). این دو از نظر معنایی همپوشانی دارند، اما دومی بیشتر به معنای احترام به خود از نظر درک توسعه یافته از آن چیزی است که برای یک فرد کامل و یکپارچه بودن که با خود و البته با دیگران هماهنگ باشد، لازم است. مدنیت بیشتر به معنی در نظر گرفتن دیگران است، از نظر اینکه بدانیم چگونه بصورت هماهنگ با دیگران و با خود زندگی کنیم. متأسفانه، رفتار مدنی، که به اطاعت کورکورانه از هنجارهای جامعه تقلیل یافته است، در گذشته و هنوز هم در عصر امروز، به عنوان یکی از روش هایی بکار می رود که توسط

صاحبان قدرت برای کنترل و نگه داشتن دیگران در محل اطاعت خود استفاده می شود. در چنین شرایطی، مدنیت اصیل مبتنی بر صداقت ممکن است مستلزم نافرمانی مدنی باشد که قدرت‌های موجود را به چالش می کشد.

علیرغم چالش‌ها، جامعه به طور کلی نیاز دارد تا به اقدامات نامدنی که به نظر می رسد به جامعه مدنی گسترده تر و همچنین سایر جوامع کوچکتر که با زندگی افراد مرتبط هستند، آسیب می رساند، پاسخ دهد. آموزش عالی می تواند با اختصاص تحقیقات بیشتر به سنجش دامنه مشکل(های) نامدنی و همچنین ارزیابی اینکه چگونه ابتکارات مدنی می تواند برنامه های مفیدی را برای بهبود مدنیت ارائه دهد کمک کننده باشد. اما قبل از هر چیز، شاید کالج‌ها و دانشگاه‌ها، باید مسئولیت افزایش آگاهی مدنی را در دانشجویانی که با آنها در ارتباط هستند، و رهبران آینده جامعه هستند، از ابتدای تجربه‌شان در آموزش عالی بر عهده بگیرند. تمرکز من در آنچه در ادامه می‌آید بر آموزش مدنیت آکادمیک در کلاس درس سال اول است. ضمناً این نکته را در ذهن داشته باشید که به طور کلی مدنیت چیست و صحبت از فضیلت مدنیت به چه معناست.

ضرورت آموزش مدنیت آکادمیک در کلاس درس سال اول

دانشجویانی که برای اولین بار وارد کالج می شوند، به سرعت می آموزند که جامعه آموزشی در این سطح تا حدودی با آنچه در دبیرستان به آن عادت کرده اند متفاوت است. برنامه های معارفه، سمینارهای سال اول و سایر فعالیت های برنامه ریزی شده، همراه با تجربه آنها از دوره آموزشی در نیمسال اول، به دانشجویان نشان می دهد که آنها وارد جامعه جدیدی با مجموعه ای از ارزش ها و انتظارات خاص خود شده اند. کتاب راهنمای دانشجو معمولاً تصویر بزرگ جامعه دانشگاهی را با خط‌مشی‌ها و رویه‌های آن که حاکم بر حقوق و مسئولیت‌های دانشجویان، ترسیم می‌کند. دانشجویان با تعامل با واقعیت‌های خانواده، گروه‌های اجتماعی، دبیرستان، باشگاه‌ها، محل کار، و محل عبادت، بدون در نظر گرفتن شبکه‌های اجتماعی در وب، از قبل در مورد زندگی در جوامع متعدد

آگاهی دارند و اکنون آنها شروع به درک این موضوع می کنند که جامعه دانشگاهی خود مجموعه ای از این جوامع مرتبط است.

به عنوان مثال، برخی از برنامه های حرفه ای مانند پرستاری و داروسازی، و تعدادی برنامه دیگر در دانشگاه، در مورد هنجارهای خود برای رفتار دانشجوی در کلاس درس و خارج از آن بسیار صریح هستند. برخی از برنامه ها نیز دارای استانداردهای ملی یا کدهای اخلاق حرفه ای هستند که باید از آنها پیروی کرد. زندگی مسکونی به نوع دیگری از جامعه با مجموعه هنجارهای خاص خود اشاره دارد. عضویت در دولت دانش آموزی یا سایر سازمان ها یا تیم های ورزشی شامل یادگیری زندگی در جوامع دیگری است که ممکن است با زندگی دانشجویی تلاقی داشته باشد.

در این مقاله پیشنهاد می کنم که کلاس درس سال اول، مکانی برای معرفی صریح اولین قدم در آموزش مدنیت دانشگاهی باشد. من سعی نمی کنم استدلال کنم که سمینارهای سال اول یا دروس ضروری مدنیت، همانطور که تعدادی از مؤسسه ها آن را اجرا کرده اند، یا هر پیشنهاد برنامه درسی خاص دیگری، راه پیشنهادی است. حداقل، من پیشنهاد می کنم که از یک کد مدنیت تحصیلی منتشر شده برای کلاس درس جهت تحریک بحث اولیه در برخی از کلاس های سال اول استفاده شود. هدف از دو جهت است: (۱) واضح تر از آنچه که در حال حاضر در کلاس درس معمولی انجام می شود، این موضوع روشن شود که یک کلاس یک جامعه دیگر است که در آن فرد باید رفتار قابل قبولی را بیاموزد، از جمله شیوه رفتار و صحبت کردن که هر چند اغلب در مورد آن چیزی گفته نمی شود، اما همچنان مورد انتظار است، به منظور اینکه بدانیم چه چیزی برای موفقیت تحصیلی در نقش دانش آموز لازم است و (۲) برای کمک به دانشجویان برای درک این موضوع که مجموعه ای از مفاهیم مرتبط وجود دارد که مجموعه ای اساسی از هنجارها و ارزش ها را مشخص می کند که فراتر از یک جامعه بوده و از یک جامعه به جامعه دیگر قابل تعمیم است که این مفاهیم مدنیت نام دارند. و اینکه فرد به چالش کشیده می شود تا آنچه را که من به عنوان فضیلت مدنیت تعریف کرده ام، توسعه دهد.

فرض اساسی من این است که کلاس درس، یک جامعه چند وجهی با تمرکز بر یادگیری است، اما همچنین محل تلاقی ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حرفه‌ای است که برخی از آنها در برنامه درسی و طرح کلی کلاس و در رفتار افراد به وضوح بیان شده است، اما قسمت زیادی از آن بیان نشده و توسط اساتید بدیهی انگاشته شده است. مدنیت مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها را نشان می‌دهد که بخشی از محتوای ارائه شده یا تسهیل شده توسط اساتید همراه با محتوای دوره آموزشی است. معمولاً محتوای مدنی بصورت مستقیم مورد توجه قرار نمی‌گیرد، یا در صورت وجود، به عنوان یک موضوع خانوادگی یا قوانینی است که برای یک تکلیف خاص در ابتدای کلاس وضع شده است. من معتقدم که محتوای مدنیت باید به طور صریح و جدی مورد توجه قرار گیرد: "مدنیت چیزی نیست که به بشقاب یک مربی افزوده شود، بلکه "بشقابی است که اتفاقاً همه چیز روی آن قرار می‌گیرد" (Vincent ، ۲۰۰۶ ، ص ۲۸). ممکن است استعاره مناسب تری وجود داشته باشد، اما نکته اینجاست که اساتیدی که ارزش‌های فرهنگ آکادمیک را زنده می‌کنند و آن را استفاده می‌کنند، باید در مورد این ارزش‌ها با دانشجویان شفاف تر باشند. چالش این است که دانشجویان اهمیت توسعه فضیلت مدنیت را با کاربرد فوری در کلاس درس بیاموزند.

استفان بروکفیلد به بهترین شکل، این چالش را برای اعضا هیئت علمی توضیح می‌دهد: دانشجویان نمی‌توانند ذهن ما را بخوانند. نمی‌توان از آنها انتظار داشت که بدانند ما از چه چیزی دفاع می‌کنیم بدون اینکه تلاشی صریح و شدید را برای برقراری ارتباط در مورد این موضوع انجام دهیم. ما به جای این که انتظار داشته باشیم دانشجویان ارزش بدیهی آنچه را که ما از آنها می‌خواهیم انجام دهند، درک کنند، باید یک مورد مستمر برای یادگیری، اقدام و تمرین ایجاد کنیم. ما باید پنجره‌هایی را در ذهن خود ایجاد کنیم تا دانشجویان بتوانند عملکرد منطقی آموزشی ما را ببینند. آشکار کردن استدلال آموزشی ما به دانشجویان کمک می‌کند تا بفهمند که اعمال ما خودسرانه یا تصادفی نیستند. آنها می‌بینند که انتخاب‌ها و دستورات ما از تجربیات گذشته ما به عنوان

معلم، از اعتقادات ما در مورد آنچه که می‌خواهیم انجام دهیم، و از دانش ما در مورد پایه، انتظارات، فرهنگ و نگرانی‌های دانشجو سرچشمه می‌گیرد.

ما می‌خواهیم دانشجویان درک کنند که اصرار ما بر روش‌های خاص انجام کار، مبتنی بر مجموعه‌ای از باورهای بررسی‌شده و آگاهانه درباره آنچه معلمان باید انجام دهند، در مورد چگونگی آموزش و چگونگی یادگیری استوار است. دانشجویان مجبور نیستند با این باورها موافق باشند، اما باید بدانند که این باورها چه هستند و چرا ما به این باورها اعتقاد داریم. و آنها باید ببینند که سرسختی ظاهری ما در مورد یک رویکرد یا نیاز خاص از منطق آموزشی ما رشد می‌کند و نه از خودمان.

همانطور که در کتاب "معلم ماهر" اشاره کرده‌ام، یکی از شاخص‌های اصلی برای دانشجویان که معلم باید آن را جدی بگیرد، این است که او روشن کند که اقدامات او از یک منطق سنجیده و مبتنی بر تجربه سرچشمه می‌گیرد. افشای مستمر کامل انتظارات، دستور کارها و معیارهای ارزشیابی توسط معلمان، نشانه مهمی از اعتبار است. اگر چنین افشاگری با امکان مذاکره در مورد برخی از این موارد همراه باشد، خیلی بهتر خواهد بود. در این شرایط، دانشجویان خیلی سریعتر از موارد دیگر به معلم اعتماد می‌کنند. (۱۹۹۵، صفحات ۱۰۸-۹).

همانطور که بروکفیلد عنوان می‌کند، سوال مهم این است که ما برای چه هدفی اینجا هستیم؟ ارزش‌های کلیدی که نشان‌دهنده اخلاق یا فلسفه یک محیط یادگیری مؤثر است چیست، آنچه که اساتید می‌توانند بگویند این است که آنها چه هدفی دارند و بر روی چه هدفی متمرکز شده‌اند، علاوه بر این، معنای متخصص بودن در زمینه‌های مختلف چیست؟

ما از طریق رفتارهایمان در طول نیمسال تحصیلی که با دانشجویان تعامل داریم، به این سوالات پاسخ می‌دهیم. بله، برنامه درسی و طرح کلی درس، بعنوان مثال ارجاع به یک خط مشی در مورد صداقت دانشگاهی، ممکن است بسیاری از هنجارها یا ارزش‌های خاص یک کلاس خاص را قابل لمس کند. اما من معتقدم که این

¹ *The Skillful Teacher*

کافی نیست و بیان صریح تر در مورد اینکه مدنیت دانشگاهی چیست و چه چیزی را می طلبد، بهتر روشن می کند که ما به عنوان معلم، در حال انجام چه کاری هستیم و چرا؟ ما از چه چیزی دفاع می کنیم و دانشگاه چیست! انجام این کار به این معنی است که اساتید می دانند که فضیلت مدنیت باید هم به عنوان یک ویژگی یا تمایلی که باید توسط دانشجو توسعه یابد تلقی شود و هم بعنوان مسئولیتی در نظر گرفته شود که اساتید انتقال دهنده ارزش های تشکیل دهنده مدنیت آکادمیک هستند. این مسئولیت شامل مشارکت خودآگاهانه با دانشجویان با الگوبرداری از مدنیت در تسهیل کلاس درس است!

من تصور می کنم که کارآمدترین راه برای شروع این آموزش، ایجاد یک سند نسبتاً کوتاه، یعنی یک کد مدنیت علمی است، که می تواند در برخی از کلاس های سال اول مورد بحث و بررسی قرار گیرد یا می تواند برای استفاده در مراسم معارفه، یا برای ارسال در کلاس های درس در نظر گرفته شود، و یا حتی به کتاب های راهنمای اساتید و دانشجویان اضافه شود. اما اگر قرار است متن نوشته شده احیا شده و بصورت جدی در نظر گرفته شود، باید هم مورد بحث قرار گیرد و هم الگوبرداری شود.

ارزش های مدنیت تحصیلی در اسناد سازمانی

مطمئناً اینطور نیست که ارزش های مدنی فقط برای روسای دانشگاه ها و مدیران وجود داشته باشد. کتاب راهنمای دانشجویان و اساتید مملو از بیانیه های ارزشی و انتظارات دانشجویی مرتبط با مدنیت است. آنچه که ما در استادی مقصریم این است که گمان می کنیم که دانشجویان سال اولی که وارد دانشگاه می شوند در مورد آموزش عالی بیش از حد می دانند یا کتاب راهنمای دانشجو را قبل از ورود به دانشگاه می خوانند، یا اینکه دانشکده آنها را با فرهنگ آکادمیک آشنا می کند.

اسناد منتشر شده مختلف در این زمینه شامل سیاست‌های مربوط به صداقت تحصیلی، سیاست‌های ضد مزاحمت و آیین‌نامه رفتاری دانشجویان است. برخی از ارزش‌های مشترکی که به آن‌ها اشاره می‌شود، احترام به دیگران، با فرض مسئولیت‌پذیری، تحمل تفاوت‌ها و ایجاد تعادل بین حقوق فردی و اجتماعی است. علاوه بر این، مدارس حرفه‌ای ممکن است برای مثال، الزامات کد لباس یا حضور اجباری در کلاس را داشته باشند.

همچنین ممکن است کتاب راهنمای دانشگاهی، وظایف آموزشی یا کد اخلاق حرفه‌ای را مشخص کند. فرض من این است که چنین کدی به طور صریح به دانشجویان ابلاغ نمی‌شود و تنها جنبه‌های خاصی از یک فهرست وظایف ممکن است به طور خاص به برنامه درسی و آموزشی آنها تعمیم داده شود. سپس نوبت به بیانیه مأموریت یک نهاد می‌رسد که شامل ارزش‌های مدنی است که به طور گسترده تفسیر می‌شوند. باز هم این یک فرض ساده‌لوحانه است که فکر کنیم دانشجویان تازه وارد درک زیادی از این مأموریت دارند، چه رسد به اینکه حتی درک اولیه‌ای از معنای اصول آن را داشته باشند.

در مجموع، با توجه به اینکه ارزش‌های مدنی آکادمیک در اسناد مختلف سازمانی بیان شده است، چالش این است که راهی برای استخراج آنچه برای تربیت دانشجویان جدید مورد نیاز است و در عین حال ابلاغ مؤثر این محتوا به دانشجویان، در همان ابتدای تجربه دانشگاهی آنها پیدا کرد. من راه حل را توسعه نوعی از "ده فرمان دانشگاهی" برای استفاده در کلاس‌های سال اول می‌دانم.

کد پیشنهادی مدنیت دانشگاهی

در کد مدل زیر سعی کرده‌ام ارتباطی بین عمومی‌ترین سند سازمانی، بیانیه مأموریت، و قوانین و استانداردهای خاصی که در برنامه‌ها و جزوات درسی وجود دارد، ایجاد کنم. قوانین اخیر، به عنوان مثال، به سیاست‌های حضور و غیاب، مسائل مربوط به مزاحمت و معلولیت، استفاده از تلفن همراه و سایر وسایل الکترونیکی، انتظارات از آمادگی برای کلاس، تغلب، پوشش مناسب و اشکال ممنوعه مزاحمت (اختلال) کلاسی اشاره دارد. ادعای من در

این مقاله این است که ارزش‌های کد مدنی، مبنای منطقی را برای پاسخ به این سؤال که چرا ما چنین قوانین خاصی داریم، ارائه می‌دهد. آیا بدون توضیح صریح این «چرایی»، قوانین کلاس به راحتی می‌توانند پیام ساده تری را منتقل کند؟ مربی مرجع مسئول است و این تنها «چرایی» است که مهم است.

مدرسان معمولاً انتظار بیش از حدی از درک دانشجویان در این زمینه دارند که یادگیری، یک فرآیند تعاملی منطقی و انسانی است، نه کاری که توسط یک مسئول با شما انجام می‌شود. یک کد می‌تواند به ایجاد کیفیت مناسب برای معرفی دانشجویان جدید با فرهنگ جامعه‌ای که قرار است وارد آن شوند کمک کند و آنها را نسبت به انتظارات اساسی این جامعه آگاه کند.

یک کد مدل برای مدنیت تحصیلی

مقدمه: هر کلاس در دانشگاه فرضی X، اجتماعی از فراگیران متعهد با هدف بهبود یادگیری در دانشجویان و اساتید است. مدنیت یک فضیلت اکتسابی است که اعضای جامعه را به همکاری مؤثر و محترمانه با هم برای رسیدن به این هدف فرا می‌خواند. مدنیت، کیفیت را برای نحوه یادگیری و به اشتراک گذاشتن موضوع درسی در هر کلاس تعیین می‌کند و به طور کلی به ایجاد یک محیط حمایت‌کننده و مراقبت‌کننده برای یادگیری کمک می‌کند. ما معتقدیم که هم اساتید و هم دانشجویانی که مدنیت را در جامعه کلاسی الگوسازی می‌کنند، بخش مهمی از تجربه یادگیری هستند که به رشد افراد و نقش آنها به‌عنوان شهروندانی آگاه و روشن‌فکر کمک می‌کند. ما باید خود را در چالش قرار داده تا مطابق با ارزش‌های ذیل فکر و عمل کنیم تا مدنیت در هر جامعه کلاسی یک واقعیت زنده باشد.

ارزش های فراگیر مدنیت

- ❖ به کرامت انسانی هر فرد احترام بگذارید (هرچند که از قبل گفته شده است: خدا در روح شخص حضور دارد، قانون طلایی، خودمختاری).
- ❖ خیر و صلاح را در جامع ترویج کنید (یادگیری یک تجربه یا مسئولیت فردی و اجتماعی).

ارزش های خاص برای هدایت تعاملات در کلاس

۱. مسئولیت و پاسخگویی در قبال رفتار خود را بپذیرید و همین امر را از دیگران نیز انتظار داشته باشید. سعی کنید که به خودآزمایی انتقادی متعهد باشید.
۲. به جستجوی حقیقت و عشق به یادگیری احترام بگذارید.
۳. دانش را با صداقت شخصی و صداقت تحصیلی دنبال کنید.
۴. باور داشته باشید که جستجوی دانش پیچیده و مستلزم ابهام است و بنابراین در مورد حدود دانش خود، تواضع داشته باشید.
۵. مشوق گفتگو باشید (تمایل به گوش دادن و شنیدن دیدگاه های دیگران؛ احترام به تحقیق آزاد و آزادی بیان؛ ایجاد فضای امن برای شنیدن حرف مخالفین؛ تحمل تفاوت ها).
۶. مسائل بحث برانگیز را با جست و جوی درک استدلال های همه طرف ها بررسی کنید. سپس بررسی و ارزیابی کنید.
۷. در قضاوت در مورد کار و عقاید دیگران منصف و بی طرف باشید؛ از حملات شخصی خودداری کنید.

۸. به زمینه های مختلف قومی، نژادی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جنسیت، گرایش های جنسی، سن و معلولیت افراد احترام بگذارید.

۹. از هر گونه پیش داوری، سوگیری، تعصب، تبعیض و ارباب در فرآیند یادگیری اجتناب کنید.

۱۰. مشوق همکاری و مشارکت، و نه فقط رقابت با دیگران باشید.

۱۱. از صحبت کردن و رفتار به گونه ای که در یادگیری دیگران اختلال ایجاد می کند خودداری کنید.

۱۲. به دنبال شفافیت در انتظارات، خط مشی ها، رویه ها و قوانین کلاس باشید.

۱۳. در توسعه جامعه ای دلسوز که در آن شفقت برای دیگران ارزش است، مشارکت کنید

البته این فهرست گزاره های ارزش می تواند طولانی تر یا کوتاه تر باشد، و یا حتی می تواند اولویت بندی شود. همچنین توجه داشته باشید که مخاطبان مورد نظر برای این کد، هم دانشجویان و هم اساتید هستند. برای مثال، آیتم «تشویق به گفتگو» به مسئولیتی اشاره دارد که هم اساتید و هم دانشجویان باید در آن سهیم باشند. یا آیتم «شفافیت در انتظارات کلاس» از اساتید می خواهد تا با چالش بروکفیلد برای شفاف بودن روبرو شوند، اما از دانشجویان نیز می خواهد که در پرسیدن سؤالات در مورد آنچه که برای موفقیت در کلاس لازم است، کوشا باشند. یک محدودیت در استفاده از زبان "کد" این است که ممکن است هدف تجویزی بودن را نشان کند، با این مفهوم که شخصی، مسئول اجرای قانون و اعمال مجازات های مناسب برای تخلفات و غیره است. قصد من در اینجا بیشتر تصور سندی است که آرمان های پیش بینی شده برای هر جامعه کلاسی را در دانشگاه بیان کند. البته بخش های مختلف کد به رفتارهایی مانند مزاحمت اشاره دارد، که باید از طریق سیاست ها و رویه های دقیق تری که از قبل وجود دارد، مورد بررسی و اجرا قرار گیرد.

نقش آموزش عمومی در تجربه سال اول

به طور کلی، هر جامعه ای موظف است که به طور مداوم اعضای جدید و قدیمی را با هنجارهای جامعه و تغییرات مداوم در آن هنجارها آموزش دهد.

It is a failing to assume too much about what members of a community understand or remember, especially new members and what they bring with them that enables them to understand the nature of higher education

و اگر چالش بزرگتر این باشد که اعضای جدید را با این ایده آگاه کنیم که زندگی خوب در جامعه (که هم اکنون شامل این کلاس سال اول و این دانشگاه است)، بخشی از چیزی است که یادگیری آکادمیک و به طور کلی یادگیری در مورد آن بحث می کند، پس باید به آموزش مدنی به صراحت و سریعتر پرداخته شود.

دوره های آموزش عمومی سال اول، جز طبیعی ترین ابزارها هستند. آموزش عمومی، ایده آل یک فرد با تحصیلات آزاد را افزایش می دهد، یعنی فردی که علاوه بر یادگیری مهارت ها و تخصص های حرفه ای و مرتبط با کار در یک رشته، حساسیت گسترده ای نسبت به آنچه که فرد کامل را تشکیل می دهد، دارد. همانطور که کارتر از طرف اراسموس عنوان می کند: ماهیت آموزش آزاد^۱ و همچنین نگرانی های اخیر در مورد مسئولیت پذیری در آموزش عالی، همچنان ما را ملزم می کند تا دانشجویان را برای مؤثر بودن و کمک به اعضای «خانواده مدنی» آماده کنیم. کالج ها و دانشگاه ها معمولاً بر خدمات و مسئولیت اجتماعی به عنوان بخشی از بیانیه های مأموریت خود تأکید می کنند و الزامات آموزش عمومی، یک شیوه طبیعی برای ترویج آموزش مدنی در نظر گرفته شده است.

آموزش عمومی ابزاری است برای کمک به دانشجویان برای درک ایده آل یک فرد دارای تحصیلات آزاد، و مشارکت مدنی بخش اساسی این ایده آل است. اخیراً، یک مطالعه با تمرکز بر استفاده از تکنیک های کلاس درس

¹ liberal education

دموکراتیک^۱ یا یادگیری خدمات، امکان پذیری یک برنامه درسی آموزش عمومی را فراهم کرده که می تواند "به عنوان بستر آکادمیک برای تعهد سازمانی به مشارکت مدنی مبتنی بر مأموریت عمل کند (Baker, Spiezio و Boland, ۲۰۰۵، ص ۲۷۳). نکته این است که چنین آموزشی باید هدفمند باشد و فقط با الزام دانشجویان جهت تکمیل انتخاب دوره هایی که الزامات آموزشی عمومی را برآورده می کند، صورت نگیرد.

آنچه من در این مقاله استدلال کرده ام این است که آموزش مدنیت مقوله وسیعی است که به معنای بخشی از هر جامعه و همه جوامعی است که با زندگی افراد تلاقی می کنند. مشارکت مدنی همانطور که در بالا توضیح داده شد به مسئولیت های یک فرد در قبال جامعه محلی بزرگتر اشاره دارد. مشارکت تحصیلی به دانشجویانی اشاره دارد که یاد می گیرند چگونه در هر کلاسی موفق باشند. مشارکت تحصیلی با مشارکت مدنی همپوشانی دارد، اما شامل همه اشکال یادگیری کلاسی می شود، از جمله آنچه که بر آموزش تمرین محور که در مطالعه فوق اشاره شد و نیز روش های سنتی تر تأکید می کند.

کد مدنیت تحصیلی تا جایی که ارزش های آکادمی را شفاف تر کند و به ایجاد محیطی از اعتماد و افزایش آگاهی کمک کند و به موفقیت یادگیری دانشجو منجر شود، می تواند در کلاس سال اول مفید باشد. اعتماد ضروری است و باید به طور مداوم در جامعه کلاسی پرورش داده شود. همانطور که Fukuyama (۱۹۹۵) بیان می کند، اعتماد "انتظاری است که در یک جامعه منظم، صادق و مشارکتی، بر اساس هنجارهای مشترک به وجود می آید" (ص ۲۶).

اما این کد تا حدی مفید است که جریاناتی را که در بسیاری از جوامع مختلف دارای ارزش هستند شناسایی کند و همچنین به دانشجویان در جهت درک این موضوع کمک کند که بقا در هر جامعه ای، مستلزم آگاهی از ارزش ها و توسعه مهارت های مرتبط است. در نهایت، دانشجویان این مهارت های بقا را به تنهایی از طریق آزمون و خطا یاد می گیرند. من معتقدم که برای آموزش واقعی چنین مهارت هایی، آموزش عمومی می تواند بیشتر کمک

¹ democratic classroom techniques

کننده باشد و اگر ساده گرفته نشود، شاید فرآیند یادگیری را که دانشجویان طی می‌کنند بهبود بخشیده و آگاهی بخش تر باشد. کد مدنی که در کلاس های سال اول استفاده می‌شود گام کوچکی در این مسیر است.

ارزیابی آگاهی مدنی

اینکه می‌توان زمان کمی را به آموزش در مورد مدنیت در کلاس سال اول در هر رشته ای اختصاص داد، واقع بینانه است. در حالت ایده آل، کلاس در اولین ترم تجربه ی سال اول دانشجو برگزار می‌شود و حتی اگر راهبردی های مطالعه ای و یا سایر راهبردهای رسانه ای بتواند مکمل آموزش و بحث در کلاس باشد، ممکن است انتظار رشد محدودی در آگاهی دانشجویان تا پایان ترم را داشته باشیم.

مستندسازی دستاوردهای دانشجویان، مستلزم توسعه نتایج یادگیری دانشجو بر اساس ارزش‌های الگوی کد مدنیت تحصیلی است. یک پیشنهاد می‌تواند انتخاب لیست نسبتاً کوتاهی از نتایجی باشد که دانشجویان سال اول می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند تا به نوعی با تجربه دبیرستان و همچنین تجربه پیش بینی شده دانشگاهی آنها مرتبط باشد. دستورالعمل دیگر برای انتخاب نتایج می‌تواند روشی باشد که با داده‌های جمع‌آوری شده قبلی در موارد ارزیابی شده در نظرسنجی‌های محلی یا ملی از تصور دانشجویان درباره تجربه دانشگاهی در ارتباط است. فهرستی از رفتارهای خاص که قبلاً در نظرسنجی مورد استفاده ی دانشگاه ایندیانا بدست آمده است، ممکن است مثال‌های ملموسی را برای بحث کلاسی در مورد ارزش های این کد ارائه کند، اما ممکن است به اندازه نظرسنجی ابتدای کلاس که دانش‌آموزان را برای بحث در آینده آماده می‌کند مفید نباشد.

نظرسنجی ابتدای کلاس ممکن است از دانشجویان بخواهد که تجربه سال آخر دبیرستان خود و اینکه چگونه می‌توانند آن تجربه را به عنوان یک محیط یادگیری مدنی توصیف کنند، منعکس کنند. مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت با استفاده از آیتم های «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» را می‌توان با عباراتی مانند احترام، اعتماد، صداقت دانشگاهی، بحث و گفتگو، آزادی بیان عقاید، رفتار منصفانه و عادلانه، تفاوتها، همکاری، و جامعه

دلسوز استفاده کرد. زمانی که دانشجو، نظرسنجی پایان کلاس را تکمیل می‌کند، این تکلیف آغازین ممکن است به‌عنوان نمره ارفاقی کوچک در نظر گرفته شود.

چنین نظرسنجی در پایان می‌تواند از دانشجویان بخواهد که تجربه‌ی خود را از مدنیت در این کلاس خاص توصیف کنند، امکان دیگر برای مقایسه این است که مربی، همان نظرسنجی را با دانشجویان تکمیل کند یا سرفصلی را ایجاد کند که در آن تجربیات خود را برای کل کلاس خلاصه کند.

مشابه با این نظرسنجی، می‌توانید از دانشجویان بخواهید که تجربیات کلی خود را در دانشگاه تا حال حاضر توصیف کنند. کسب اطلاعات در مورد درک تجربیات کلی آنها ممکن است اطلاعاتی را در مورد پیوستگی و اثربخشی سایر ابتکارات مدنی مانند فعالیت‌های معارفه، رویدادهای زندگی دانشجویی، سری سخنرانی‌ها، کدهای افتخار و غیره یا نیاز به تکمیل تجربه در کلاس با سایر ابتکارات ارائه کند.

ارزیابی‌های دیگر ممکن است به تأیید داده‌های کلاسی در مورد تجربه کلی دانشجویان کمک کند. نظرسنجی‌های ملی مانند نظرسنجی ملی مشارکت دانشجویی برای دانشجویان سال اول و ارشد^۱ و نظرسنجی هیئت علمی همراه^۲ یا پرسشنامه رضایت دانشجویی نوئل-لویتز^۳ شامل تعدادی سؤال است که مستقیماً به ارزش‌های مشخص شده در بالا از کد مدنیت مربوط می‌شود. پرسشنامه رضایت دانشجو^۴ همچنین امکان اضافه کردن سؤالات تکمیلی را که می‌توانند برخی از ارزش‌های مدنی را هدف قرار دهند فراهم می‌آورد. این منابع و همچنین نظرسنجی‌های داخلی^۵ از جمله ارزیابی‌های دانشجویان از تدریس، می‌توانند به شناسایی خطوط پایه برای سنجش موفقیت طرح‌های مدنی کمک کنند و حداقل به‌طور غیرمستقیم با آموزش مدنیت در کلاس که در سال اول اتفاق می‌افتد همبستگی داشته باشند.

¹ National Survey of Student Engagement for first-year and senior students

² companion faculty survey

³ the Noel-Levitz Student Satisfaction Inventory

⁴ Student Satisfaction Inventory

⁵ in-house surveys

چالش های اجرای موفقیت آمیز

حداقل رویکرد پیشنهادی در این مقاله، استفاده از یک پودمان مدنیت در حداقل یک کلاس آموزش عمومی ضروری در ترم اول تحصیلی است. تأثیر کلی ممکن است نه تنها به منابع موجود برای هر برنامه درسی، بلکه به سایر عوامل موجود در جامعه دانشگاهی بزرگتر نیز بستگی داشته باشد. آیا منابعی برای توسعه و اجرای آزمایشی یک بخش و سپس منابع ارزیابی و تحقیق لازم برای پیگیری موفقیت وجود دارد؟ آیا منابع دانشکده تنها شامل استفاده از مربیان تمام وقت است، یا نه شامل کمک مربیان و سایر پرسنل، مثلاً، پرسنل حوزه دانشجویی نیز خواهد بود؟

آیا گنجاندن محتوای مدنیت در انجمن های یادگیری یا سمینارها مؤثرتر خواهد بود؟ آیا فرصت و علاقه ای برای آموزش مدنیت در دوره های فراتر از سال اول وجود خواهد داشت؟ آیا طرحها یا فعالیت های پردیس دیگری وجود دارد که اهمیت مدنیت را برای جامعه دانشگاهی تقویت کند؟ پردیس در اجرای سیاست های موجود مربوط به صداقت علمی و مزاحمت چقدر جدی و موثر است و آیا این تعهد به طور گسترده شناخته شده است؟ نحوه برقراری ارتباط با دانشجویان انتقالی در مورد مدنیت چالش دیگری است که در این مقاله به آن پرداخته نشده است.